دکترین سیاست خارجی به بیانیه‌ای عام در مورد مجموعه‌ای از تفکرات و راهکارهای کلی در مورد مواجهه با مسائل عمده سیاست خارجی یک کشور اطلاق می‌شود. دکترین سیاست خارجی معمولاً یک‌سری قواعد کلی در مورد نحوه عملکرد کشور در مواجهه با مسائل جهانی است که استراتژی‌ها و سیاست‌گذاری‌های سیاست خارجی بر مبنای این قواعد کلی تنظیم می‌شوند. در بسیاری از کشورهای جهان، دکترین‌های سیاست خارجی با نام رهبران سیاسی که این دکترین را پایه‌گذاری کرده‌اند، شناخته‌می‌شود. برای مثال یکی از مشهورترین دکترین‌های سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا که همچنان پس از دو سده یکی از قواعد اصلی رفتار آمریکا در منطقه قاره آمریکا شناخته می‌شود، توسط پنجمین رئیس‌جمهور این کشور، جیمز مونرو مطرح شده‌است. براساس دکترین مونرو، نیمکره غربی کره زمین، منطقه نفوذ ایالات متحده آمریکا محسوب می‌شود و اقدام هر قدرت خارجی در این منطقه، تهدید علیه منافع آمریکا تلقی می‌شود. در دوران جنگ سرد، دکترین برژنف، یکی از اصلی‌ترین قواعد سیاست خارجی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی محسوب می‌شد. براساس این دکترین، تهدید علیه هر یک از دولت‌های سوسیالیستی بلوک شرق، تهدیدی علیه همه کشورهای بلوک شرق محسوب می‌شد. در همان دوران ریچارد نیکسون، در ایالات متحده آمریکا برای پایان دادن به جنگ ویتنام، دکترینی جدید را عرضه کرد. براساس دکترین نیکسون، دیگر ضرورتی نداشت که آمریکا مستقیماً برای حمایت از متحدانش در مقابل بلوک شرق وارد عملیات نظامی شود، بلکه هر یک از متحدان بلوک غرب به تنهایی مسئول حفظ امنیت و حاکمیت ملی خود بودند و آمریکا تنها با چتر اتمی از متحدانش حمایت می‌کرد.

به نظر می‌رسد که دکترین سیاست خارجی جمهوری اسلامی فقط در مواجهه با آمریکا تعریف می‌شود و بیش از آنکه تامین منافع ملی و افزایش قدرت کشور را در نظر بگیرد، شکست آمریکا را مدنظر قرار می‌دهد

در طول ۴۵ سال گذشته، ایده‌های زیادی در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران مطرح شده‌است که هر یک از آنها می‌توانست لقب دکترین سیاست خارجی جمهوری اسلامی به خود بگیرد. برای مثال شعار «نه شرقی، نه غربی» یا «دفاع از مظلومان جهان» و «استکبارستیزی» هر یک به‌نوعی قاعده اصولی راهنمای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بودند اما این قواعد کلی به دلیل ابهام و فقدان دقت در تعاریف در طول چهار دهه دستخوش تفاسیری شده‌اند که گاهی آنها را از معنا تهی کرده‌است. در چارچوب شعار «نه شرقی، نه غربی» هرچند جمهوری اسلامی ایران هرگز در دوران جنگ سرد به یکی از بلوک‌های شرق و غرب نپیوست، اما حضور جمهوری اسلامی در نظام دوقطبی مربوط به دوران پایانی جنگ سرد می‌شد که قدرت اتحاد جماهیر شوروی به شکل چشمگیری کاهش پیدا کرده‌بود و این ابرقدرت در آستانه فروپاشی قرار داشت.

در طول دوران پس از جنگ سرد و دورانی که به دوران نظام تک‌قطبی مشهور شده‌است، دکترین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به شکل فزاینده‌ای ماهیت تک‌وجهی به خود گرفت. تمامی اصول و قواعد تعریف‌شده در سیاست خارجی کشور، از جمله مسائلی مانند دفاع از مظلوم، مقابله با نظام سلطه، مقاومت و استکبارستیزی به «مقابله با آمریکا» تقلیل یافته‌است. در بسیاری از بزنگاه‌ها، جمهوری اسلامی زمانی خود را موظف به دفاع از مظلوم می‌داند که ظالم، آمریکا باشد. استکبارستیزی فقط زمانی معنا پیدا می‌کند که مستکبر، آمریکا باشد. در سال‌های اخیر چندجانبه‌گرایی و پیوستن به نهادهای چندجانبه هم در قالب تلاش برای شکست دادن اقتدار آمریکا و پایان دادن به سلطه دلار آمریکا بر مبادلات مالی و تجاری در پیش گرفته‌شده‌است. در منطقه هم مقاومت به معنای بیرون انداختن آمریکا از منطقه خاورمیانه تعبیر می‌شود. حتی تعریف نظم جدید جهانی هم پایان دادن به نظام جهانی تحت سلطه آمریکا است. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد که دکترین سیاست خارجی جمهوری اسلامی فقط در مواجهه با آمریکا تعریف می‌شود و بیش از آنکه تامین منافع ملی و افزایش قدرت کشور را در نظر بگیرد، شکست آمریکا را مدنظر قرار می‌دهد.

محمدجواد ظریف، وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی ایران، در مصاحبه‌ای با پایگاه خبری «پیام‌ما آنلاین» گفت: «اولویت ما در روابط با عراق و افغانستان، مبارزه با آمریکاست، نه به‌دست آوردن منافع خودمان. من حرفی ندارم که مبارزه با آمریکا و مبارزه با سلطه می‌تواند بخشی از منافع ملی ما باشد و کشور را به منافع آرمانی برساند اما منافع آرمانی نباید بر سایر منافع حاکم شود.»

به نظر می‌رسد در صورتی که ایران می‌خواهد نقش مؤثری در نظام جدید جهانی داشته‌باشد، باید بازنگری جدی در دکترین سیاست خارجی خود مبتنی بر شاخصه‌هایی که از نظام آینده انتظار می‌رود و همچنین تعریف مشخص و بدون ابهام از منافع و حوزه نفوذ خود تدوین کند. دکترین سیاست خارجی جمهوری اسلامی همچنان گرفتار مواجهه با ایالات متحده آمریکا است و برای اینکه بتواند خود را برای آینده آماده کند، باید بتواند از این بند خلاص شود. ممکن است که دوستی و همکاری با ایالات متحده آمریکا جایی در دکترین بعدی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نداشته‌باشد، اما در این صورت هم تهران نباید همه اقدام‌های خارجی خود را معطل واکنش به رویکردهای آمریکا و تلاش برای شکست دادن آمریکا کند. تهران باید این توان را داشته‌باشد که بتواند رویکردی را تعریف کند که براساس آن موفقیت ایران اولویت داشته‌باشد و نه شکست طرف‌های دیگر.

می‌گیرد. تمامی این زیربناها باید ابتدا تئوریزه بشوند، مطالعات دانشگاهی روی آنها انجام شود و به‌صورت یک خط مشی منسجم تدوین شوند. متاسفانه ما چون در کشور فرهنگ انتشار علنی و قرار دادن نظرات در میدان بحث عمومی نداریم، اینها فرموله نشده‌اند و یا اگر شده باشند هم چون بحث عمومی و مخصوصاً مطالعات و تزهای دانشگاهی مستقل در فضای آزاد به‌طور کافی انجام نشده لذا افکار عمومی اقناع نشده‌است. اصول اساسی سیاست خارجی کشور مشخص است؛ مسائلی مانند امنیت شهروندان، امنیت مرزها، استکبارستیزی، دفاع از مظلوم و عدم پذیرش سلطه بیگانه اصول اساسی سیاست خارجی کشور است. اما این اصول باید به صورت واقع‌بینانه و نه شعاری مورد بحث عمومی قرار بگیرد تا با عنایت به واقعیت‌ها و هنجارهای بین‌المللی نحوه عمل به این اصول در دکترین سیاست خارجی ما ثبوت و ظهور پیدا کند.

دو مقوله نگرش به آمریکا و اسرائیل به‌طور خاص و موضوع خاورمیانه به صورت عام که سرمایه‌گذاری مادی و معنوی فراوانی برای آن شده و باید به دنبال منفعت‌زا کردن آن باشیم، در هسته اصلی دکترین سیاست خارجی ما قرار گرفته‌است که شایان توجه است و متاسفانه به میزان اهمیتی که دارند مطالعات کاربردی لازم و مستمر روی آنها وجود ندارد. پس از اینها دفاع از نهضت‌های آزادی‌بخش، استقلال و خودباوری و استفاده از ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی برای تثبیت قدرت منطقه‌ای و ایفای نقش جهانی در زمینه عدم پذیرش هنجارهای ناعادلانه بین‌المللی و ترویج و تبلیغ ارزش‌های ایدئولوژیک نیز از مواردی است که در دکترین سیاست خارجی ما نقش دارند اما باز فاقد آن اهتمام لازم برای تبیین آنها هستیم. اینها در دکترین سیاست خارجی ما حضور دارند اما از آنجا که مباحثه عمومی در مورد آن صورت نگرفته‌است، اسناد سبز و سفید مرتبط به آنها به جامعه ارائه نشده است، در نتیجه هر کسی به راه خودش می‌رود. حکومت یک استنباط دارد و مردم استنباط دیگر. درحالی‌که اگر همه این اصول و نحوه عملیاتی کردن آنها به‌صورت منسجم و مدون منتشر شود، همه چیز روشن می‌شود و نخبگان و مردم و مسئولین دستگاه‌های اجرایی تکلیف خود را می‌دانند. نه آنکه هر کسی یک حرفی بزند و سیاست خارجی کشور جلو نرود. امام جمعه یک چیزی می‌گوید، وزیر و استاندار و دیگران حرف دیگر می‌زنند. نکته دیگر اینکه ما نگاه امنیتی به انتشار راهبردها و دکترین‌ها داریم یا ممکن است که تصور کنیم اگر دشمن در ابهام بماند، بهتر است؛ اما این ابهام همیشه نتیجه مثبتی در پی ندارد. یکی از چالش‌های عدم انتشار علنی و تبیین دکترین سیاست خارجی این است که طرف‌های خارجی ممکن است سیگنال‌های غلط دریافت کنند و به دلیل ناآشنایی با اهداف و نیات واقعی ما دچار سوءمحاسبه شوند. اتفاقاً اگر دشمن دقیقاً بداند که ما دنبال چه هستیم، می‌تواند خودش را تنظیم کند و براساس آن حرکاتش را انجام دهد و به همین ترتیب ما هم براساس درک و شناختی که دشمن از اهداف ما دارد، می‌توانیم سیاست و راهبردهای خودمان را تنظیم کنیم. این اصل با استفاده از اصل غافلگیری و محرمانگی متفاوت است. مسائل نظری محرمانه نیستند بلکه راهکارهای عملیاتی است که در اصل غافلگیری استفاده می‌شوند.

در طول سال‌های گذشته صحبت‌های زیادی در مورد تغییر نظام جهانی از سوی مقام‌های ارشد کشور مطرح شده‌است. آیا حکومت جمهوری اسلامی توانسته‌است دکترینی تدوین کند که براساس آن با تحول در نظم جهانی مواجه شود و بتواند به یک قدرت مؤثر در نظم بعدی جهان تبدیل شود؟

در ایران به دلیل ساختار اداری متصلب، اندیشه‌ورزی جزمی حکومتی و مقاومت بیش از حد در مقابل تغییر، نظریه‌پردازی و برنامه‌ریزی برای ورود به دوران جدید کمی سخت و با تأخیر صورت می‌گیرد. حکومت خودش را بیش از اندازه درگیر جزئیات کرده‌است. این مسئله بیشتر به روش‌های اجرایی حکومت برمی‌گردد. روش حکومتی در ایران به دلیل نظام اداری ناکارآمد به نحوی است که تا حدی درگیر جزئیاتی است که می‌توان گفت کمتر توان و فرصت برای نگاه به تحولات بزرگ پیش رو دارد. یعنی به‌جای سطح‌بندی برای پرداختن به مباحث گوناگون همه سطوح، همزمان به همه مباحث می‌پردازند. بحث‌هایی در مورد خط مشی سیاست خارجی مطرح می‌شود، اما اینکه این بحث‌ها چقدر جدی گرفته‌می‌شود و در دستور کار کارشناسی دستگاه‌های اجرایی و مسئول قرار می‌گیرد، مورد تردید جدی قرار دارد. این حالت متصلب حکومت و دولت و فاصله‌ای که بین نخبگان با دولت، حکومت و دستگاه‌های اجرایی ایجاد شده‌است، در فقدان برنامه و عدم نظریه‌پردازی برای جهان آینده مؤثر است. متاسفانه توازن قدرت بین نهادهای مدنی و نهادهای حاکمیتی به نفع دومی به هم خورده است. رسانه، حزب، نهادهای مطالعاتی و بخش خصوصی هنوز صدای رسایی برای سیاست‌گذاری در ایران ندارند و این از ضعف‌های ما در دوران جدید است. علاوه بر اینها ضعف در اقتصاد سیاسی، تضعیف طبقه متوسط و مشخصاً بخش خصوصی نیز که نمی‌توانیم کمک اتحادیه‌های صنفی و اتاق‌های بازرگانی، صنعت و معدن را در این سیاستگذاری‌ها داشته باشیم، مزید بر علت شده‌است.

فکر می‌کنید که چه نوع دکترینی باید برای ورود به نظام جدید جهانی تدوین شود؟

متاسفانه هنوز نخبگان، اندیشه‌ورزان دانشگاهی و متخصصین ما روی ابعاد این تحول، سمت‌وسوی آن، فرصت‌ها و تهدیدهای این نظم و جایگاه ما در آن نظریه‌پردازی نکرده‌اند تا مورد بحث عمومی قرار بگیرد و آثار علمی در این خصوص به صورت مقاله، یادداشت، کتاب و سندهای دیگر به‌صورت عمومی منتشر نشده‌است. بحث‌ها و صحبت‌هایی در سمینارها، جلسات، جمع‌های خصوصی و محفل‌های عمومی انجام می‌شود، اما هنوز به صورت چارچوب‌دار چنین مباحثی تدوین نشده‌است. بعد از انتشار این مباحث علمی است که می‌توان به یک دکترین جدید رسید. ویژگی‌های این دکترین باید این باشد که بتواند از توفیق‌های سخت‌افزاری ما با طراحی‌های نرم‌افزاری و ایجاد توازن میان دو مؤلفه سخت و نرم قدرت، بیشترین منافع و مصالح را با اتخاذ یک سیاست موازنه مثبت به جای موازنه منفی، برای ما در نظم جدید تامین کند.

ما باید اهداف‌مان را از تعامل با قدرت‌های نوظهور مشخص کنیم. باید مرزبندی دقیقی داشته‌باشیم. نباید تنها هدف ما از تعامل با قدرت‌های نوظهور مبارزه یا لجاجت با آمریکا باشد، بلکه باید با توجه به منافع و اهدافی که آن قدرت نوظهور یا بلوک‌بندی جدید دارد، با آنها تعامل کنیم. یعنی نباید از آنها به فکر استفاده ابزاری باشیم

در دکترین جدید باید سیاست موازنه منفی را کنار بگذاریم و به‌دنبال سیاست موازنه مثبت و ایجاد توازن در سیاست خارجی باشیم. ما باید هر جایی که منافع‌مان ایجاب می‌کند با یک قطب جهانی یا قدرت جهانی به‌ویژه در بخش اقتصادی وارد کار و تعامل شویم. از این فرصت اگر استفاده نکنیم، فرصت‌های همراهی با تحولات جهانی و استفاده از مزایای آن و دوری از مضارش را از دست می‌دهیم. متاسفانه ما یک کشور وابسته به نفت هستیم که اقتصاد سیاسی ضعیفی داریم و سفره مردم را به ناحق به فروش نفت وابسته کرده‌ایم و الان اوضاع اقتصادی و معیشتی مناسبی برای مردم رقم نزده‌ایم.

پس توجه به تغییرات جهانی، شکل‌گیری قدرت‌های نوظهور، بلوک‌بندی‌های جدید و چگونگی وارد شدن به این بلوک‌ها یا نزدیک شدن به آنها، منافع متصوره و تلقی و اهداف ما از تعامل با این بلوک‌ها از مؤلفه‌های مهم دکترین سیاست خارجی ما برای ورود به نظم جدید جهانی باید باشد. ما باید اهداف‌مان را از تعامل با قدرت‌های نوظهور مشخص کنیم. باید مرزبندی دقیقی داشته‌باشیم. نباید تنها هدف ما از تعامل با قدرت‌های نوظهور مبارزه یا لجاجت با آمریکا باشد، بلکه باید با توجه به منافع و اهدافی که آن قدرت نوظهور یا بلوک‌بندی جدید دارد، با آنها تعامل کنیم. یعنی نباید از آنها به فکر استفاده ابزاری باشیم.

انسجام ملی، مباحث گسل‌های اجتماعی و تبعات امنیتی آنها مانند قومیت‌ها، مذاهب، حقوق بشر، تقسیم ثروت و قدرت بین مناطق داخلی کشور و امنیت و یکپارچگی سرزمینی از جمله مسائل مهمی هستند که در مسائل سیاست خارجی و دکترین‌های آن قابل‌توجه و تاثیرگذار هستند که خود مقوله‌های جداگانه هستند و در فرصت دیگری باید به آن پرداخت. موضوع مهم دیگر توجه به مسائل و موضوع‌های نوظهور و جدید است، از جمله مسئله تغییرات اقلیمی و اثراتش بر کشور، استفاده غلط از منابع طبیعی مانند آب و خاک، محیط زیست، سلامت و بقای نسل و از همه مهم‌تر، امیدواری نیروی تحصیل‌کرده برای نقش‌آفرینی در روند توسعه کشور باید از اولویت‌های دوران و نظم جدید باشد تا در موقعیت جدید بتوانیم با دکترین‌های جدید و نوین، اثرات تنهایی استراتژیک ایران را به حداقل برسانیم. انشاالله.

دیپلمات‌ها

واکنش به گزارش کمیته حقیقت‌یاب حقوق بشر

کمیته موسوم به حقیقت‌یاب سازمان ملل با انتشار گزارشی با اشاره به اتفاقات سال گذشته در ایران مدعی نقض حقوق بشر و جنایات علیه بشریت از سوی این کشور شده است. سخنگوی وزارت امور خارجه گزارش منتشرشده از سوی سازوکار موسوم به هیئت حقیقت‌یاب بین‌المللی را به‌شدت محکوم و تکرار ادعاهای بی‌اساس در این گزارش را که مبتنی بر اطلاعات نادرست و مغرضانه است، فاقد وجاهت قانونی و از اساس مردود دانست. کنعانی با اشاره به تلاش برخی کشورهای غربی به استمرار پروژه ایران‌هراسی و بدنام‌سازی ایران، اظهار داشت؛ هیئت به‌اصطلاح حقیقت‌یاب که با نمایش مضحک حقوق بشری برخی کشورهای غربی به‌ویژه آلمان و با پول اهدایی آنها در آذرماه ۱۴۰۱ و پس از شکست پروژه بی‌ثبات‌سازی داخلی ایران ایجاد شد، با انتشار گزارشی شامل مجموعه‌ای سازمان‌یافته از تحریف واقعیات و دروغ‌پردازی‌ها، نه‌تنها حقیقت‌یابی نکرده، بلکه حقایق را به شکل هدفمندی وارونه نیز جلوه داده است. وی افزود: «جمهوری اسلامی ایران این گزارش را که با طراحی رژیم صهیونیستی، آمریکا و برخی از کشورهای غربی تدوین شده است، مصداق بارز سوءاستفاده از مفاهیم و ارزش‌های متعالی حقوق بشری برای پیشبرد اغراض کوته‌بینانه سیاسی دانسته و آن را فاقد هرگونه وجاهت و اثر قانونی می‌داند.» سخنگوی وزارت خارجه افزود: «کشورهای بانی تشکیل هیئت موسوم به حقیقت‌یاب از امنیت و ثبات حاکم بر جمهوری اسلامی ایران و ناکام ماندن دخالت‌های آنان در اغتشاشات سال ۱۴۰۱ عصبانی هستند و از طریق انتشار این گزارش قصد انتقام‌جویی از ملت ایران را دارند.» کنعانی تصریح کرد: «به این کشورها توصیه می‌شود به‌جای دخالت‌های نابجا در ایران، به موارد نقض حقوق بشر در کشورهای خود بپردازند و به‌ویژه اگر ذرّه‌ای صداقت و دلسوزی نسبت به حقوق بشر و حقوق زنان دارند، به نقض حقوق هزاران زن و کودک و کشتار بیش از ۳۰ هزار شهروند فلسطینی طی ۵ ماه - که بیش از ۷۰ درصد آنان زنان و کودکان هستند - توجه کرده و از تداوم نسل‌کُشی و جنایت علیه بشریت در غزه حمایت نکنند.» کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل با انتشار گزارشی گفته است جمهوری اسلامی در جریان سرکوب اعتراضات پارسال ایران با «موارد جدی نقض حقوق بشر» مرتکب «جنایات علیه بشریت» شد. این کمیته، که شورای حقوق بشر سازمان ملل آن را تعیین کرده، معتقد است حکومت ایران از جمله با «خشونت و تعقیب و آزار جنسی و جنسیتی» دست به این اقدام زده است.

تحریم‌های جدید کانادا علیه ایران

دولت کانادا تحریم‌های جدیدی را علیه مدیرعامل متروی تهران و یک نماینده مجلس جمهوری اسلامی به بهانه «مشارکت در سرکوب خشونت‌آمیز زنان و دختران در ایران» اعمال کرد. به گزارش ایلنا به نقل از سی‌بی‌سی، دولت کانادا تحریم‌های جدیدی را علیه «مسعود درستی» مدیرعامل متروی تهران و «زهره الهیان» نماینده مجلس جمهوری اسلامی به بهانه «مشارکت در سرکوب خشونت‌آمیز زنان و دختران در ایران» اعمال کرد. «ملانی جولی» وزیر خارجه کانادا این خبر را در روز جهانی زن اعلام کرد. جولی با تکرار برخی مواضع مداخله‌جویانه اعلام کرد: «زنان و دختران ایرانی با محیطی سرکوب‌گر روبه‌رو می‌شوند که در آن به‌دلیل ابراز وجود یا مطالبه حقوق اولیه در معرض خطر آسیب یا مرگ هستند.» وزارت خارجه کانادا طی بیانیه‌ای اعلام کرده است که درستی «به دلیل نقشی که در اجرای قانون حجاب اجباری در سیستم حمل و نقل عمومی ایفا می‌کند»، مورد تحریم قرار گرفت. براساس این بیانیه، «زهره الهیان» عضو کمیسیون امور دفاعی و امنیتی مجلس ایران نیز «به دلیل حمایت از مجازات اعدام برای معترضان در فهرست تحریم قرار گرفته است.» این هفدهمین بسته تحریمی کانادا علیه ایران از زمان آغاز اعتراض‌های ۱۴۰۱ است.